

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین یوم وېر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

ناهید "غزل" غنی زاده

ویرجینیا - ۲۲ اکتوبر ۲۰۱۵

من و زندگانی

روزگاری که همه رویاهایم با ریسمان اندیشه هایت تاب میخورد، آرزو نداشتم بی تو
درین جهان غمزدا لحظه ای بمانم، تا انگبین هستی در کامم زهرگونه بریزد.
و اما چند گاهی ست درین عالم طوفانی درد، پاهایم به گل سختیها گرفتار است، که
اشکهایم را نیرومند و نفسهایم را ناتوان ساخته است.
هرچند من و زندگانی دشمن جان همدیگر شده ایم، ولی هنوز هم از اساطیر عشق سوژه
همزیستی میجوئیم.
آه! نمیخواهم که این زود به چنگالهای سرد مرگ گرفتار گردم و آغازین مرادهایم چون
طرحهای فرو ریخته در گام تو گردد.
مفهوم تغزل احساس آفرین زندگانی هیچ گاهی در افکارم ظهور نکرد و گذر روحم را از
استوای داغ باور زمینه ساز نگشت.
حالا که در ستیز آلام عمر بی اثر میشوم، فریادم از گلوی التماس عبور میکند و آرام آرام
به خاموشی میگرایم. من ازین ناملایمات میرهم، مگر تو با پشتواره امیدها روی نردبان
هستی شادمانه بالا برو!!!

(ناهید "غزل" غنی زاده - کابل ۱۳۶۱)